



پویایی حکمت مشرقی

نکاتی درباره ابن سینا و تمثیل عرفانی

اثر هانری کربن / ترجمه انشاءالله رحمتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سید مسعود رضوی

حکیم و طبیب یگانه ایران، شیخ الرئیس ابوعلی سینا، مظهر دانایی و فضل و استعداد در کشور ما بلکه چهره‌ای کم نظیر سراسر جهان است. دامنه دانش و دایره تألیفات او در ضمن زندگی نه چندان بلندش، چنان رشک‌انگیز است که جز ستایش و اعتراف به شکوه و عظمت این مرد یگانه، کاری نمی‌توان کرد. با این حال، او نیز همچون همه قله‌های علم و حکمت و عرفان و اخلاق در گذشته، از یک سو به تدریج به چهره‌ای اساطیری و افسانه‌ای بدل شده و از سوی دیگر، درباره ماهیت آرا و افکار او نظرات متفاوت و حتی متضادی مطرح گردیده است.

ابن سینا تعلق تام و تمام به فرهنگ ایرانی در عصر تمدن اسلامی دارد و شاخصه دانش و نماد دانایی محسوب می‌شود، فلذا مردمان حق داشته‌اند چهره‌ای افسانه‌ای از او بپرورند و برای فرزندان خود باز گویند تا آنان هم قهرمان حکمت و اندیشه و علم داشته باشند و بدان بیالند.

این نشان از خردمندی نهفته در ناخودآگاه قوم دراد و اگر حجم قصص و اغراقات و داستان‌ها و اشعار منسوب و افزوده‌هایی عامیانه درباره بوعلی را یک جا گردآوریم، کتابی مفصل خواهد شد که نکات بسیاری از حکمت و طب و سیاست و کرامت و اخلاق و عرفان به سبک عامیانه و معطوف به علاقه عوام در آن خواهد بود.

اما در میان افراد با فرهنگ و اهل فضل، بوعلی از منظرهای متفاوتی مورد توجه است. ابن‌سینای طبیبی و دانشور که می‌کوشیده پاسخ هر سؤالی بیابد و هیچ پرسشی را بدون پاسخ‌های اعجاب‌انگیز و عالمانه رها نمی‌کرده است. ابن‌سینای فیلسوف مشایی که در زمره مؤسسان این حکمت در فرهنگ اسلامی است و با نگارش سه کتاب مفصل و متوسط و مختصر در اصول و فروع و مسائل حکمت، استوانه فلسفه اسلامی را استوار ساخت و یک هزاره تمام مجال حضور و حیات به این فلسفه بخشید؛ شفا، اشارات و نجات، سه اثر بزرگ و ماندگار شیخ است که صدها شرح بر آن نوشته شده و کتب بی‌جای‌گزین حکمت اسلامی در مدارس علمیه‌اند. ابن‌سینای دیگر، حکیم عقل‌گرایی با سیاست و صاحب فراست است که از متمایلان - و بلکه معتقدان - به اسماعیلیه بوده و در زندگی پر نشیب و فراز خویش، به‌رغم جبرهای زمانه، به عقاید خود خدمات پنهان و نیمه پنهان فراوان کرده است. در ادامه همین برداشت از حیات و آثار ابن‌سینا، در سنوات متأخر، او به مظهر حفظ اندیشه‌های ایرانی به زبان و سیاق تمدن اسلامی بدل شده و اندیشه‌های گنوسی و خسروانی را هم نمایندگی کرده است. و باز در امتداد این نظرگاه، یک نوع تعلق خاطر دیگر به بوعلی، از منظر زبان پارسی و فرهنگ ایرانی قابل ملاحظه است که دلبستگی دارد. ابن‌سینا - یا پورسینا - به جهت واژه‌پردازی و تاریخ زبان و خدمت به فرهنگ فارسی، در دانشنامه‌های عالی و دیگر آثار مشابه و توجه به احیای مصطلحات فلسفی کهن ایرانی، بسیار معزز و شایان توجه است. افزون بر این‌ها، یک زمینه دیگر، معطوف به تداوم و دنباله کار حکیم ابوعلی سینا در تاریخ حکمت و فلسفه است که در ضمن کتب تاریخ فلسفه و سیر حکمت و امثالهم بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

سرانجام، جانی بسیار جالب، کم‌شناخته و مهم در باب فکر و آثار و ماهیت و گرایش‌های خاص مشرقی و اشراقی در مکتب ابن‌سینا مورد توجه قرار گرفته که بسیار تأمل‌انگیز و راه‌گشا و از هر نظر شایسته دقت و احترام تواند بود. از این منظر، کاری دشوار و ادراکی پیچیده از حکمت سینوی حاصل می‌آید که با گرایش‌های مألوف و سنتی درباره ابن‌ابرفیلسوف ایرانی تفاوت دارد و حتی با آن متضاد خواهد بود. این مسیر، راهی تازه و باز، اما کم‌شناخته و پُر نشانه و بسیار وسوسه‌انگیز است که در عین حال کرانه‌ای زیبا از حکمت منشورمانند شیخ الرئیس ابوعلی سینا را نمایندگی می‌کند.

استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی معتقد است که اگر ابن‌سینا «حکمت مشرقیه نداشت، نمی‌توانست فلسفه اسلامی باشد. اصلاً ستون‌بودنش به این خاطر است که حکمت مشرقیه دارد و به این جهت است که ابن‌رشد - که حکمت مشرقیه نداشت - نمی‌تواند ستون باشد و نمی‌تواند ابوعلی سینا را بفهمد... ابن‌سینا چون دارای حکمت مشرقیه بوده و بنیاد فلسفه و فرهنگش ایران باستانی است، چون به حکمت نور اعتقاد دارد و تفسیر آیه نور از قرآن و انتخاب آن، نشانگر این امر است ابن‌رشد او را نفهمیده. غزالی در مشکاة الانوار و حتی سهروردی تحت تأثیر ابن‌سینا بوده است... ابن‌سینا البته می‌خواست حکمت مشرقیه بنویسد و نوشت و می‌گویند ۴۰ مجلد بوده که در حمله مسعود غزنوی سوزانده شده و از بین رفته است. شاید هم قصد نوشتن داشته و این را تصریح کرده است. به همین جهت است که ارسطو را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کند و هزار سال این غلط فاحش رایج بوده است که ابن‌سینا ارسطویی و مشایی است. ابن‌سینا ارسطویی نیست. او ارسطو را خوب خوانده و از او عبور کرده است و این را ابن‌رشد نمی‌داند؛ یعنی متوقف در ارسطو نبوده و چون سابقه ایران باستان و حکمت مشرقی داشته، از ارسطو عبور کرده است»^۱.



نقل قول مذکور از استاد دینانی، به‌تنهایی کافی است تا دانسته شود دامنه سوء فهم و بلکه سهل‌انگاری درباره فلسفه و فکر و حتی حیات ابن‌سینا در میان ما تا چه حد گسترده بوده است و اگر تلاش‌های برخی از بزرگان معاصر، از جمله مرحوم هنری کرین، استاد دکتر نصر، استاد دکتر محمد معین، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، دکتر دینانی و چند تن دیگر نمی‌بود، برداشتی تک‌بعدی و بسیار ساده از حکیم ذوالفنون ایران ابوعلی سینا می‌داشتیم. اما خوشبختانه اینک تغییراتی ایجاد شده و مبدأ تازه‌ای برای ورود به فلسفه ابن‌سینا - یا بهتر است بگوییم منظومه حکمی ابن‌سینا - فراهم شده است.

کتاب ابن‌سینا و تمثیل عرفانی یکی از مهم‌ترین منابع این دادگاه تازه و منبعی وثیق برای این جستجوی بدیع محسوب می‌شود.

اما پیش از ورود به این بحث، بد نیست اشارتی به منابع مطالعه درباره ابوعلی سینا در زبان فارسی داشته باشیم. بوعلی، بی‌شک مشهورترین چهره حکمت و دانش در فرهنگ ماست، اما شگفت آن‌که فقر منابع درباره او امری مسلم و انکارناشدنی است. حتی استاد دینانی که درباره غزالی و ابن‌رشد و سهروردی و خواجه نصیرالدین آثار ارجمندی نگاشته و خود را متعلق و متکی به حکمت بوعلی می‌داند، فرموده‌اند که: «ابن‌سینا زنده است؛ هر کس در فلسفه حرف می‌زند، از ابن‌سینا حرف می‌زند، اصلاً شما بگویید غیر از ابن‌سینا چه کسی هست. آن چیزی که تازه و رایج است، همان حرف‌های ابن‌سیناست...»^۱ بستر فلسفه اسلامی ابن‌سیناست و هر چه در فلسفه اسلامی است، گسترش ابن‌سیناست...^۲ و دقیقاً به همین دلایل، ایشان که از برجسته‌ترین متخصصان ابوعلی سینا هستند، اقدام به نگارش اثری منفرد و مجزا درباره آن حکیم نکرده است. ایرادی نیست، ولی به‌رغم رواج آثار بوعلی در برخی حوزه‌های درسی - که البته صدرالمتألهین عمده‌تألیفات جایگزین شده است - منابع مطالعه عمومی درباره ابن‌سینا چندان موسع نیست. حداقل باید گفت که منابع عمومی درجه اول بسیار اندک است.

از این دست منابع، تک‌نگاری جوزجانی شاگرد ابن‌سینا که کوتاه اما بسیار موثق و دقیق است و روایت ابن‌قفطی در تاریخ الحکما بر اساس همان و تکرار دیگربراه آن به روایت اشکوری و اردکانی^۳ و امثالهم متعلق به نگاه قدمای ماست. در دوره معاصر، با توجه به نیازهای نو، مرحوم استاد سعید نفیسی نخستین گام را با انتشار کتاب پور سینا برداشت. سپس مرحوم استاد دکتر سیدصادق گوهرین در حدود سال ۱۳۳۱ کتاب شیوای حجة الحق ابوعلی سینا را نگاشت که صبغه‌ای تاریخ‌نگارانه داشت، ولی بسیار جالب و آموزنده بود. اتفاق مهم دیگر، برگزاری هزاره ابن‌سینا در ایران که زمینه تجدید چاپ بسیاری از آثار ابوعلی سینا را فراهم کرد. از جمله آثار پارسی بوعلی یا ترجمه‌های کهن پارسی از آثار عربی وی را؛ مثلاً دانشنامه علایی به تصحیح دکتر معین و مرحوم دکتر مشکوة و ترجمه رساله‌ی اخجویه و ترجمه فارسی اشارات و تنبیهات با مقدمه و تصحیح دکتر احسان یارشاطر و... که هر یک اثری کم‌یاب و بلکه نایاب بود. همین‌ها زمینه‌ها، امکان نگرش متفاوت و به‌دور از کلیشه‌های رایج را نسبت به ابن‌سینا فراهم آورد. برخی مقالات مهم هم نگاشته شد، از جمله متن خطابه استاد فقیه مجتبی مینوی به نام «ابن‌سینا» در سال ۱۳۲۸، و مقاله «ابوعلی سینا» از استاد بدیع الزمان فروزانفر و دکتر ذبیح الله صفا در مجلد دوم جشن‌نامه ابن‌سینا در سال ۱۳۳۴، و از همه مهم‌تر فصل اول کتاب سه حکیم مسلمان اثر استاد سید حسین نصر^۴ که علاوه بر زندگی‌نامه و معرفی آثار ابن‌سینا، طی هفت عنوان متوالی، جالب‌ترین تحلیل‌ها را درباره شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا به رشته تحریر کشیده است. این مباحث عبارتند از «مبحث وجود یا وجودشناسی»، «جهان‌شناسی و فرشته‌شناسی»، «علوم طبیعی و ریاضی»، «علم النفس»، «دین و وحی»، «فلسفه باطنی» و «مکتب ابن‌سینا». این اثر کوتاه، خاصه در دو بخش اخیر، تأثیری وسیع بر دانشجویان فلسفه اسلامی نهاد و راهی تازه برای شناخت ابن‌سینا فراهم کرد. بعدها برخی ترجمه‌ها نظیر کتاب ابن‌سینا اثر مالکوم پاپ به ترجمه باجلان فرخی نیز منتشر شد، اما تقریباً



بیست و اند سال طول کشید تا کتاب‌هایی هم‌تراز اثر دکتر نصر و با آن دیدگاه‌ها در اختیار قرار گیرد. یکی از تازه‌ترین آنها، مقاله یا رساله متوسط «ابن سینا» منتشره در طلیعه جلد ۴ دائرة المعارف بزرگ اسلامی اثر بزرگان علم و حکمت معاصر ایران، مرحوم استاد دکتر شرف الدین خراسانی و علیرضا جعفری نائینی و تقی بینش و فتح الله مجتبابی است. این مقاله مفصل بر اساس بهترین منابع و آخرین پژوهش‌های سیناشناختی نوشته شده و عجلتاً بهترین متن عمومی و متقن‌ترین آنهاست. به جز این‌ها باید از کتاب آقای فریدون جنیدی به نام کارنامه ابن سینا یاد کرد که مدخلی مفید در شناخت حیات و تألیفات حکیم بزرگ ایران است^۵ و پس از آن ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا اثر مرحوم دکتر حسن ملک‌شاهی^۶ و ترجمه جلد اول شفا توسط دکتر انوار^۷ از جمله دیگر کارهای متأخر بوده که نباید ناگفته بماند. رسائل تمثیلی ابن سینا نظیر رسالة الطیر،^۸ حی بن یقظان و سلامان و ابدال هم در این سال‌ها منتشر شده است.^۹

از طرف دیگر، در دوره جدید، برای نخستین بار در تاریخ فرهنگ ایران، توجه به تواریخ تخصصی در رشته‌های مختلف، از جمله فلسفه، آغاز شد و آثاری تحت عنوان تاریخ فلسفه اسلامی منتشر گردید. ابن سینا همیشه رکن و ستون این آثار بوده است. بهترین و مهمترین این تواریخ که بارها تجدید چاپ شده و غالباً ترجمه‌هایی به فارسی هستند چنین‌اند:

- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، اثر خلیل الجرجی و حنا الفاخوری
- تاریخ فلسفه در اسلام، زیر نظر م. م. شریف
- تاریخ فلاسفه ایرانی، تألیف دکتر علی اصغر حلبی
- تاریخ فلسفه اسلامی، ماجد فخری
- تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کرین^{۱۰}
- تاریخ فلسفه اسلامی، زیر نظر دکتر سید حسین نصر

و الیور لیمن و...

همین مقدار کافی است تا افق ابن‌سیناشناسی در دوره معاصر به زبان فارسی تا حدودی دانسته شود. البته به زبان‌های دیگر، خاصه عربی و انگلیسی آثار فراوانی داریم، اما مسئله این است که غالباً تحلیل متفکران عرب، رنگی از گرایش‌های نژادی عربی دارد که عمدتاً در سوء فهم یا بدگویی از عرفان، تمثیلات و حکمت مشرقی و اشراقی خود را نشان می‌دهد و منابع بسیاری از غربیان نیز مستند به همین آثار عربی است. ما، یعنی ایرانیان، مسئول بازفهمی، درست‌فهمی و گسترش فهم صحیح از شیخ‌الرئیس حکیم ابوعلی سینا هستیم و لذا می‌باید زمینه آموزشی دقیق و گسترده، همراه با منابعی اصیل و روشمند را برای آموزش حکمت و مؤلفه‌های مکتب سینوی فراهم آوریم. تاکنون گرایش مشایی شیخ‌الرئیس بسیار مقبول و تنها وجه قابل توجه و تفسیر در فلسفه بوعلی بوده و غالباً به عنوان تکمله و افزونه‌ای نه چندان مهم، اما جذاب، از نمط نهم اشارات در باب عشق و عرفان در فلسفه بوعلی هم سخن گفته‌اند، اما حکمت مشرقیه و تمثیلات ارزشمند وی که بخش مهم و متأخر حیات و تفکرش معطوف بدان بود در خزانه



صفحه‌ای از «قانون» ابن‌سینا

غفلت جامانده است.

انصاف باید داد که هانری کربن برجسته‌ترین و دقیق‌ترین اندیشمندی بوده است که با توجه به این وجه مغفول از حکمت بوعلی سینا، کمر به باز فهمی و باز تحلیل آن بسته و گام‌های بلندی نیز برداشته است. او بدون شائبه‌های ناسیونالیستی، بر اساس علاقه زاید الوصفی که به مکتب تأویلی و تمثیلی اشراقی داشت، متوجه ریشه‌های سینوی این مکتب نزد شیخ شهاب‌الدین شهید شد و سپس توجهی عمیق به حکمت کهن ایران‌شهری یا حکمت خسروانی پیدا کرد. طرحی در ذهن او بود که فریخته‌شناسی و مبادی حکمت نوری کهن ایرانی را در استمراری منطقی به دوره اسلامی آورده و در پیوند با انگاره‌های فلسفی عصر تمدن اسلامی، نظامی اعجاب‌انگیز و پویا در اختیار خواننده قرار می‌داد. طرح او نه یک تجرید یا تفسیر به رأی از تاریخ فلسفه اسلامی در ایران، بلکه پاسخی به خلأها و ادراکات ناپالوده و سطحی‌ای بود که هیچ‌گاه فراتر از کلیشه‌های رایج نرفته و بسیاری از منابع مهم در فلسفه اسلامی را نادیده می‌گرفتند. این انگاره، فلسفه اسلامی را حاشیه‌ای دست دوم بر حکمت ارسطو و فلوطین قلمداد می‌کرد که زبان اسلامی یافته و چندان هم پای‌بند بدان نیست، زیرا اغراض کلامی بسیاری آن را خدشه‌دار کرده و نهایتاً با این‌رشد در غرب تمدن اسلامی و چند قرن بعد با ملاصدرا در شرق اسلامی به اوج و فرجام خود رسید. هانری کربن، به دلایل متعدد، متوجه این سوء تعبیرها شد و برای یافتن پاسخ صحیح کوشید. کتاب مهم وی ابن‌سینا و تمثیل عرفانی از مهم‌ترین آثار در این زمینه است که اینک شهرتی جهانی دارد و اثری کلاسیک در ابن‌سیناشناسی محسوب می‌شود.

«هانری کربن، برجسته‌ترین مفسر غربی حکمت معنوی ایران و فلسفه اسلامی این سرزمین، در روز چهاردهم آوریل ۱۹۰۳ در شهر پاریس دیده بر این جهان خاکی گشود. در ایام طفولیت و جوانی از یک آموزش منظم مذهبی چنان‌که در یک خانواده معتقد کاتولیک فرانسوی مرسوم بود، برخوردار شد و سپس با نیت دنبال کردن دروس دینی به یک مدرسه عالی علوم مسیحی قدم نهاد، لیکن علاقه خاصی که به عرفان و حکمت اشراقی داشت در درون محیطی که بیشتر به جنبه تشریحی دین و فلسفه‌های استدلالی محدود بود شکوفا نشد و طلبه جوان به اشتیاق کسب معرفت توجه خود را به نهضت پروتستان که در عصر رنسانس در آن تمایلاتی از حکمت الهی و عرفان موجود بود، معطوف داشت و جهت ادامه تحصیلات رسمی وارد دانشگاه سوربن شد. او در سال ۱۹۲۵ موفق به دریافت لیسانس در فلسفه از آن دانشگاه شد و در سال ۱۹۲۶ شهادت نامه عالی فلسفه و در ۱۹۲۸ دیپلم مدرسه تبعات عالیه دانشگاه پاریس و در سال ۱۹۲۹ دیپلم مدرسه السنه الشریقه پاریس را به دست آورد، و علاوه بر تسلط کامل بر فلسفه غربی و زبان‌های کالسیک اروپایی، با عربی و فارسی نیز کاملاً آشنا شد و حتی زبان پهلوی را فراگرفت.»^{۱۱}

این اجمالی از زندگی و تحصیلات علمی پروفیسور کربن به قلم دکتر نصر بود. اما آنچه بیشتر برای ما ایرانیان عزیز و محترم است، توجه او به فرهنگ دوره اسلامی و باستانی ایران زمین است و در حقیقت: «کربن، حق بزرگی به گردن فرهنگ ایران‌زمین دارد. او به عنوان فیلسوفی عظیم الشان که شاگرد استادان بزرگی امثال ادموند هوسرل، ارنست کاسیرر، امیل بریه، اتین ژیلسون، لویی ماسینیون، هلموت ریتز، و نیز اولین مترجم آثار هایدگر به زبان فرانسه بود، گمشده معنوی خود را در حکمت و عرفان اسلامی و فرهنگ ایرانی، خاصه در معنویت تشیع بازیافت و کوشش‌های فراوانی در احیای این



فرهنگ به عمل آورد و به‌ویژه آن را برای نخستین بار به جهان غرب معرفی کرد. ولی همچنین در معرفی حکمت اسلامی به جهان غرب تأثیر بسزایی داشت؛ آثار سهروردی، ابن‌سینا، سیدحیدر آملی، ملاصدرا و دیگران را با ویراستاری علمی چاپ و به زبان فرانسه ترجمه کرد و از این حیث، تأثیر مهمی در معرفی حکمت اسلامی به مغرب زمین داشت».^{۱۲}

پژوهش‌های ابن‌سیناشناختی کربن، یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها و موارث آن متفکر بلند مرتبه بوده است. دکتر نصر در این باره نوشته: «موفقیت کربن در شناساندن ابن‌سینا در غرب به صورتی نوین و در عین حال اصیل، یکی از بزرگ‌ترین خدمات او به فلسفه اسلامی است. قریب به هزار سال، غرب آثار شیخ‌الرئیس را مطالعه می‌کرد و می‌پنداشت که او را به‌خوبی می‌شناسد، لیکن تصورش محدود بود به یک ابن‌سینای ارسطویی که حلقه‌ای بیش نبود در انتقال میراث ارسطویی و نوافلاطونی به غرب. کربن به مطالعه ابن‌سینایی که در جست‌وجوی حکمت مشرقیه بود و فلسفه‌ای که مقدمه‌ای است لازم از برای درک حکمت اشراق پرداخت. آن ابن‌سینایی که سهروردی در مقدمه رساله خود با نام قصه الغریبه الغریبه به او اشاره کرده است. پس از مطالعه آثاری همچون اشارات و تنبیهات و قصیده عینیه و مخصوصاً رسائل تمثیلی سه‌گانه؛ یعنی حی‌بن یقظان و رساله الطیر و سلامان و اِسال، کربن در کتاب بسیار اساسی خویش به نام ابن‌سینا و تمثیلات عرفانی که اول در تهران به مناسبت هزاره ابن‌سینا به چاپ رسید و سپس قسمت فرانسوی آن به صورت جداگانه نشر یافت و به انگلیسی نیز ترجمه شد، برای اولین بار در مغرب‌زمین تصویری دیگر از ابن‌سینا ارائه داد که به جای این که او را در زنجیر فلاسفه غربی بین ارسطو و قدیس توماس اکوئینی قرار دهد، به زادگاهش بازگردانید و نمایانگرش ساخت؛ چنانکه طی هزار سال، حکمای ایران، از خواجه نصیرالدین طوسی گرفته تا ملا علی زنوزی و حاجی ملاهادی سبزواری و میرزا ابوالحسن جلوه به او نگریسته‌اند. اثر این کتاب در تمام مطالعات بعدی درباره معروف‌ترین فیلسوف اسلامی دیده می‌شود، حتی می‌توان گفت که جهت بسیاری از تحقیقات در زمینه فلسفه اسلامی را تغییر داد».^{۱۳}

هین مقدار کافی است تا به اهمیت ابن‌سینا و تمثیل عرفانی پی ببریم. این کتاب، خوشبختانه پس از سال‌ها مهجور و نایاب بودن، اخیراً به ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی، باچاپی آراسته از سوی انتشارات جامی و حوزه هنری منتشر شده است.^{۱۴} برخی از آن در گذشته چاپ شده بود، اما اینک متن کامل در دسترس است و گامی بزرگ در فهم اسلام ایرانی و حکمت اسلامی به تقریر ایرانیان محسوب می‌شود.

رحمتی در پیش‌گفتار هفتاد صفحه‌ای خود، وجوه اهمیت و کیفیت پژوهش هانری کربن را در این اثر به خوبی باز نموده و بیان کرده است. او کوشیده تا معنای حکمت مشرقی را به‌طور کلی، و نظرات ابن‌سینا را به‌خصوص بیان کند. در حقیقت تمایزات بوعلی و سهروردی را در این زمینه مورد توجه و دقت قرار داده که باید به ظرافت آن توجه کافی مبذول داشت (صص ۲۱ - ۲۴).

مسئله «زبان حکمت مشرقی» نیز موضوع مهم دیگری است که بدون آشنایی با آن، خواننده قادر به درک جهان فلسفی موسوم به حکمت شمرقی و اشراقی نتوان بود. از این نظر باید به شیوه رمزی و تمثیلی این حکمت و وجوه تأویلی آن از هر جهت دقت کرد تا دچار خطاها و سهل‌انگاری‌های رایج نشد. رحمتی به خواننده توجه می‌دهد که میان رمز یا مثال (Symbol) با کنایه یا مجاز (Allegory) می‌باید تفاوت نهاد تا تأویل و گسترشی که شایسته متون تمثیلی فلسفی است حاصل آید. تمثیل‌ها و بیان رمزی ابن‌سینا در رسائل داستان‌وار حکمی شیخ‌الرئیس، دریچه ورود به حکمت مشرقیه اوست. این بیان لاله لایه و ژرف، پایه‌های استوار ادب تمثیلی و شعر عرفانی فارسی نیز هست.

پس از این نکته‌های مهم، بحث‌های معرفت‌کاوانه در باب حکمت مشرقی مطرح شده و به لحاظ معرفتی، آنها را در زمره «علم حضوری یا شناخت نفس به خویش» (ص ۳۵) قلمداد کرده است. در این

قسمت مقارنه‌ای میان معرفت‌شناسی دکارتی و بوعلی صورت گرفته که نوعاً جالب و تأمل‌انگیز است. بطور کلی «بنیادهای معرفتی (عقلی) حکمت اشراقی در سه نظریه مرتبط با هم، یعنی: علم حضوری، اتحاد علم و عالم و معلوم و اتصال به عقل فعال قرار گرفته است و اساساً حکمت مشرقی شرح و بیان همین حقایق است، اما نه در قالب مفاهیم انتزاعی، بلکه آن‌گونه که حکیمان ما خود آن را تجربه کرده و به زبانی فراتر از زبان فلسفه، بلکه عمدتاً به زبانی رمزی به توصیف کشیده‌اند» (ص ۵۰).

توضیحات بعدی رحمتی در ایضاح مفهوم ظریف علم حضوری از نظر فلاسفه اسلامی و حد بندی دقیق آن، از جمله مزایای بحث معرفت‌شناسی اوست. بحثی که یک پایه در فلسفه و منطق و یک دست در تمثیل و ادب دارد و در عین حال یک رکن اساسی در معرفت‌شناسی عرفانی محسوب می‌شود. اشاره به جای وی به نظرات شادروان دکتر مهدی حائری یزدی، فیلسوف دقیق‌النظر معاصر در کتاب *Knowledge by Presence* که از بهترین - و شاید تنها اثر مهم - در وصف فیلسوفانه مفهوم مذکور است، باید ستوده شود. ارزش کتاب مذکور از دکتر حائری هنوز دانسته نشده، ولی دکتر نصر در مقدمه بدان توجه داده است. بد نیست مترجمی صاحب‌صلاحیت این اثر مهم را نیز ترجمه کند، زیرا جای آن در زبان فارسی خالی است!

مسئله مهم دیگر، توضیح مفهوم عقل فعال در معرفت‌شناسی حکمت مشرقیه و دستگاه حکمت سینوی است. رحمتی معتقد است که «مهم‌ترین بحث کتاب حاضر که می‌توان عنوان «فرشته‌شناسی» بر آن نهاد، حول محور همین اتصال به عقل فعال شکل می‌گیرد» (ص ۶۶). البته او به این نکته هم اشاره می‌کند که این دستگاه فرشته‌شناسی، در عین آرکائیک بودن تازگی‌هایی دارد که باید با ورود به جهان خاص و درک مصطلحات ویژه آن، بدان وارد شد. زیرا «این مفاهیم صرف مفاهیم عقلی یا علمی نیستند، بلکه آسمان‌های ناپیدای نجومی معنوی را به وجود می‌آورند که معنا و ساختار آن به هیچ‌وجه ارتباطی با دگرگونی‌های علم تحصیلی ندارد» (ص ۶۷).^{۱۵}

این مبحث را نمی‌توان به اجمال شرح داد، اما اگر به مقدمه رجوع شود می‌توان در این عبارت رحمتی فشرده آن را دریافت: «... از نظر ابن‌سینا، نفس بشر نه صرف یک قابلیت انفعالی، بلکه عقل بالقوه یا حتی به تعبیر دقیق‌تر، فرشته بالقوه است. این عقل بالقوه به مدد اشراق عقل فعال به فعلیت می‌رسد. در این جا نیز درست است که عقل فعال معقولات را به این عقل بالقوه اضافه می‌کند، ولی خود آن عقل هویتی جدای از عقل فعال دارد... بنابراین، نفس بشر به عنوان وجودی مستقل و منجاز، از طریق عقل فعال اضافه شده

است، ولی همه کمالات وجودی‌اش، به صورت بالقوه در او مکنون است. و به همان میزان که خویش را در معرض تأثیر عقل فعال قرار دهد، آن کمالات در وجود وی شکوفا خواهد شد...» (صص ۷۵-۷۶).

ترجمه کتاب ابن‌سینا و تمثیل عرفانی یک ترجمه مجدد است که از روی ترجمه انگلیسی Wil- lard. R. Trask محقق و مترجم مستقل انگلیسی انجام گرفته است. اما هیچ عیبی نیست به دو دلیل: اول این که عمده ارجاعات و مفاهیم به فارسی و عربی و با تصحیح و چاپ‌های قابل اعتماد



در دسترس مترجم فارسی بود و دوم این که برگردان انگلیسی به رؤیت و تصویب کربن رسیده و از این نظر صحتی مقرون به اصل دارد.

درباره تراسک، زندگی‌نامه و شرح احوال موثقی یافت نشد، اما فهرستی از آثار پر تعداد او - ترجمه و تألیف - در دسترس است که عمدتاً در باب فلسفه و ادبیات و دین است. مترجم فارسی این اثر دکتر انشاء الله رحمتی دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی است و به جز این کتاب، آثار دیگری در عرصه دین، فلسفه و فلسفه اخلاق ترجمه کرده است، ولی حوزه اصلی علائق او - به نظر می‌رسد - همانند کربن، نصر، شوان و دیگران، سنت‌گرایی و باز تحقیق در بنیادهای سنت دینی و حکمت کلاسیک باشد. رحمتی کتاب مهم دیگری از کربن به نام تخیل خلاق در عرفان ابن عربی را نیز ترجمه کرده است.^{۱۶} وی آثار و مقالات متعددی از دکترسید حسین نصر ترجمه و منتشر کرده است.^{۱۷} همچنین نقد عقل عملی کانت و سه اثر مهم در باره فلسفه اخلاق معاصر را نیز ترجمه و منتشر ساخته است.

هانری کربن در مقدمه برگردان انگلیسی کتاب توضیح می‌دهد که چگونه فکر تدوین و تألیف این اثر به تدریج در وی پیدا شد و طی سال‌ها تکوین یافت و محقق گردید. او می‌نویسد: «... هدف من خلق اثری حاوی فضل‌فروشی تاریخی محض نبود، چرا که من شخصاً تمایلی به محدود داشتن خویش به دیدگاه‌های بی‌طرفانه و بی‌روح خاص تاریخ‌باوری ندارم. چیزی که در وهله نخست در صدد بیان طرح کلی آن بوده‌ام، نوعی پدیدارشناسی رمزهای سینایی در سیاق ایرانی آنها است. درک و فهم رمزها، عملی است که در «زمان حال» حادث می‌شود. این درک و فهم نمی‌تواند عبارت از قرار دادن گذشته در گذشته به معنای دقیق کلمه - یعنی قرار دادن گذشته در «زمان غایب» - باشد...» (ص ۸۷).

با این توضیحات می‌توان، انگاره خاص تأویلی مدرن کربن و ماهیت فلسفی آن را که متکی به آموزه‌های هایدگری و هوسرلی است، به خوبی دریافت. این دو عامل بر بستر دانش وسیع وی از فرهنگ و فلسفه کلاسیک ایرانی و اسلامی، دلایل اعتبار و درخشش کتاب کربن را به ما می‌نمایاند. او به جهانی وارد شده که بسیار پیچیده است و خود در این باره می‌گوید: «همه متون و سیاق‌های معنوی که ارجاع و اشارتی به ورای نص و ظاهر و منطوق‌شان دارند، از معنایی «باطنی» برخوردار هستند» (ص ۸۹).

ابن سینا و تمثیل عرفانی دو بخش دارد. بخش اول شش فصل تحلیلی است و بخش دوم تمثیل «حیبن یقظان» و پی‌نوشت‌های توضیحی که پس از آن آمده و نشانگر دانش کم‌نظیر مؤلف است. کربن در بیان و تبیین دستگاه تمثیلی و فرشته‌شناسی ابن سینا دائماً به دور و نزدیک سفر می‌کند. از تأویل‌های دقیق شخصی تا ارجاعات مکرر به گذشته باستانی، فرهنگ معاصر بوعلی، بحث‌های تطبیقی و سرانجام تأثیر بر فرهنگ و فلسفه و ادب پسین. اینها همه بخش‌های مهم این کتاب که عمدتاً حول محور سه اثر معروف بوعلی: حی بن یقظان، رساله الطیر و سلامان و اسال تحریر شده است. این تمثیلات و نیز مصطلحات مشرقی در حکمت سینوی به صورت گسترده‌تری در آثار شیخ اشراق دیده می‌شود. اما این بر آن مقدم است و فهم هر یک، هادی به درک صحیح آن دیگری و عرضه یکی به دیگری موجب تفسیر صحیح از هر دو است. «در حقیقت این دو کانون، توأمان اصیل‌ترین نشان را به نبوغ فلسفی ایرانی بخشیده‌اند. اندیشه این دو شیخ، همه فیلسوفانی را که تا به امروز یکی پس از دیگری [در عرصه تفکر ایرانی] ظاهر شده‌اند، سیراب ساخته است» (ص ۹۴).

کوربن نشان می‌دهد که اصطلاح رایج «فلسفه عربی» که بزرگترین نمایندگان کندی و ابن‌رشد بوده‌اند و نماینده دیگری ندارد، چه تقلیلی و تخفیفی برای فلسفه اسلامی به بار آورده و در مقابل عظمت غول‌آسای فلاسفه ایرانی چقدر بی‌معناست. همچنان که اختتام فلسفه اسلامی به ابن‌رشد، نشانه‌ای نیست مگر به جهل مضاعف از حقیقت این جهان معنوی و عقلی. به جز اینها، برخی مفاهیم نظیر «خیال»، «امام‌شناسی»، «نفس»، «سفر»، «طیر و پرواز»، «شرق»، «غرب»، «غربت» و «فرشتگان»

در دستگاه فلسفی بوعلی و سهروردی، تا حد امکان توضیح شده و ربط آن به مذهب‌های باطنی نظیر اسماعیلیه و حروفیه و شیخیه در این اثر و سایر آثار کورین بیان شده است. همچنین ربط و ثیق آنها به عرفان و شعر شکوفا و ادب بی‌مرز فارسی باز نموده و در تقریر کربن بیان گردیده است.

معرفی دقیق مباحثی که استاد فقید هانری کربن فقط در یک کتاب بیان کرده و در ضمن تاریخ فلسفه اسلامی خویش، در دستگاه عرفانی، فرشته‌شناسی، تأویلی، امام‌شناسی و شیعی بدان جایگاه مخصوصی بخشیده، بسیار دشوار است. به همین مقدار بسنده می‌کنیم جز آن که این نکته را گوشزد کنیم که این مباحث، خصلتی تازه و کم‌سابقه دارد، کربن پیشتاز و راه‌گشای مسیری است که باید پژوهشگران و متألهان معاصر ایرانی آن را تکمیل، نقد و توضیح کنند. راهی که وسعت دور کران فرهنگ معنوی ایران را همچون افقی در اقیانوس فرهنگ بشری درخشان خواهد ساخت. این ارمغان ماست برای تمدن معاصر بشری و امانتی از نیاکان بزرگ و خردمند ما، خاصه شیخ‌الرئیس حضرت ابوعلی سینا.

پای‌برگ‌ها:

۱. گفت‌وگو با دکتر دینانی، نشریه خردنامه، شماره ۲۰، آبان ۱۳۸۶، ص ۵۳.
۲. همان، ص ۵۲.
۳. ابن‌سینا به روایت اشکوری و اردکانی، سیدابراهیم دیباجی، امیرکبیر ۱۳۶۴.
۴. سه حکیم مسلمان، سیدحسین نصر، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول ۱۳۴۵.
۵. کارنامه ابن‌سینا، به مناسبت آغاز هزاره دوم زندگی ابوعلی، گزارش فریدون جنیدی، انتشارات بلخ وابسته به بنیاد نیشابور، چاپ اول ۱۳۶۰.
- ۶ و ۷. هر دو چاپ انتشارات سروش.
۸. سهروردی، شیخ اشراق، ترجمه‌ای از رساله‌الطیر ابن‌سینا دارد که در این منبع مضبوط و منتشر شده است: مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق، به تصحیح و مقدمه دکتر سیدحسین نصر، تهران، انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران، چاپ اول، ۱۳۴۸/۱۹۷۰، صص ۱۹۷ - ۲۰۵.
۹. از جمله در این کتاب:
حی‌بن یقظان و سلامان وابسال، تحقیق و نگارش دکتر سیدضیاءالدین سجادی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- استاد دکتر سجادی در این کتاب، ضمن ترجمه و شروح تفسیر قصه‌ی حی‌بن یقظان، شرح ابن‌زبیه و چند تعبیر و تأویل در این باب، از ایام کهن تا دوران معاصر نیز ذکر کرده و در باب داستان سلامان وابسال نیز حواشی و توضیحات مفید و دقیقی ارائه کرده است.
۱۰. این کتاب دو بار ترجمه شد. یک بار در دهه پنجاه توسط مرحوم دکتر اسدالله مبشری که توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسید و دوم بار به ترجمه دکتر سیدجواد طباطبایی - که انتشارات کویر در دهه هفتاد آن را منتشر کرد.
۱۱. جشن‌نامه هانری کورین، زیر نظر سیدحسین نصر، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل شعبه تهران، چاپ اول ۲۵۳۶، مقدمه، ص یک و د.
۱۲. روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان، هانری کورین، گزارش احمد فردید و عبدالمجید گلشن، مؤسسه پژوهش حکمت و فلسفه ایران، بخشی از یادداشت دکتر غلامرضا اعوانی.
۱۳. جشن‌نامه هانری کورین، همان، ص دوازده
۱۴. کلیه ارجاعات و شماره صفحات بعدی در متن مربوط به همین کتاب و همین چاپ شده است.
۱۵. با ارجاع به کتاب دیگر هانری کورین:
- فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، ترجمه سیدجواد طباطبایی، انتشارات توس ۱۳۶۹، ص ۱۲۷.
۱۶. این اثر در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات جامی منتشر شده است.
۱۷. از جمله این کتاب‌ها:
- دین و نظم طبیعت، نشر نی، ۱۳۸۶؛ معرفت و معنویت، انتشارات سهروردی، ۱۳۸۵؛ آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام، جامی ۱۳۸۴؛ اسلام و تنگناهای انسان متجدد، ۱۳۸۶ و...